

Helping Culture and Traditional Cooperation of Women in Guilan

Hooshang Abbasi



Bachelor of Literature, Tarbiat Moalem Rasht
University, Rasht, Iran.

Javad Nazarimoghaddam *



Assistant professor, Institute of Guilan Studies,
University of Guilan, Rasht, Iran.

1. Introduction

The culture of cooperation and helping among the women of Guilan is the most deep-rooted indigenous culture, helping not only in production and work, but also covers various aspects of villagers' lives and affects all relationships. It provides the integration and participation of women in the social arena and makes the role of women more prominent. The forms of helping among the rural women of Guilan are very diverse and not only in rice cultivation, which is the main crop of farmers, but also in horticulture (tea and tobacco cultivation and beans), animal husbandry and handicrafts are also going on. Many analysts in the field of historical sociology have analyzed Iranian identity and talk about the lack of participation culture in Iranian society. Therefore, it is necessary to investigate the Iranians' participatory identity in everyday life by looking at the sources of anthropology to test the claim of Iranians' monotonous discourse.

2. Literature Review

A group of studies conducted regarding the Iranian society have emphasized the self-control and single-mindedness of Iranians. Lambton (1345) while studying the agricultural system and agriculture in Iran, has presented the theory of Iranians' monotony. After that, the theory of individualism or the lack of cooperative spirit of Iranians has become widespread and has become the basis of the analysis of Iranian society. A number of Iranian researchers such as Katoozian (2013), Piran (2014), Qazi-Moradi (2014), Saree al-Qalam (2015, 2015), and many others have repeated this claim. The common denominator of all these researches is the emphasis on the self-righteous spirit and the rule of values aimed at individual interests in the Iranian society during the centuries of authoritarian rule and as a result, the lack of formation of the spirit of participation and the fundamental characteristics of progress in Iranian society. But some other anthropological researches emphasize the

Corresponding Author: j.moghaddam@guilan.ac.ir

How to Cite: Abbasi, H; Nazari Moghaddam, J. (2023). Helping culture and traditional cooperation of women in Guilan, *Semiannual Journal of Indigenous Knowledge Iran*, 10(19), 281-315.

existence of cooperative and collective spirit in the lived experience of Iranian society. JavadSafinejad (1359), MortezaFarhadi (1374) and (1386) are among the most prominent anthropologists who believe in the theory of help in Iranian culture. In their research, they have described the participatory role of rural and tribal women in collective and cooperative activities with an anthropological approach. The researches of Vadie (1348), Khosravi (1372), Farhadi (1373), (1380), PapliYazdi (1377), NikKhalq (1382) are among the studies that have been carried out in the field of characteristics of rural areas in Iran and in it has been addressed to the way of the culture ruling the villages and participation and cooperation in the field of activities related to the village.

3. Methodology

This study is a descriptive and analytical research in which an anthropological approach and relying on library sources as well as the author's field experiences, while paying attention to the lived experience of the people of Guilan, aspects of the culture of cooperation and cooperation among the women of Guilan are investigated.

4. Conclusion

Examining production relations and other social relations in local communities in Iran shows that traditional cooperation has been one of the most prominent features of rural communities, especially in Guilan, throughout history. In the meantime, the role and presence of women and the manifestations of their cooperation and cooperative behavior seem colorful. Traditional cooperation is one of the social and collective approaches of Guilani women, which is of special importance in all life, especially in rice farming, sericulture, gardening and livestock farming and traditional rituals. The findings of this research, while raising doubts about the discourse of self-control and introversion of Iranians, are a confirmation of the results of researches that emphasize the existence of the spirit of convergence and collectivism among Iranians, especially in rural areas. Of course, it is clear that traditional cooperation, like any social phenomenon, undergoes transformation and change or appears in new forms with changes in the means of social production and construction. Yavari, like any other social phenomenon, is affected by political changes, technological growth and transformation in the production structure, in the past few decades, the form of Yavari has changed, part of it has become obsolete, but the other part continues its life in the collective life of the people of Guilan.

This study showed that characteristics such as convergence, collective and cooperative behaviors were one of the main characteristics of Guilani society. This characteristic has been reflected in many words, traditions, rituals and forms of work in the field of agriculture, animal husbandry, pastoralism and traditional rituals in Guilan.


Keywords: Helping, Participation, Traditional Cooperative, Women, Guilan




دو فصلنامه علمی دانش‌های بومی ایران
دوره نهم، شماره ۱۹، بهار و تابستان ۱۴۰۲، ۳۱۵-۳۸۱
qjik.atu.ac.ir
DOI: doi.org/10.22054/qjik.2023.74229.1375

فرهنگ یابوری و تعاون سنتی زنان در گیلان

پژوهشگر حوزه گیلان‌شناسی و کارشناسی ادبیات، دانشگاه تربیت معلم، رشت، ایران.

هو شنگ عباسی 

استادیار و عضو هیأت علمی پژوهشکده گیلان‌شناسی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

جواد نظری مقدم * 

چکیده

«تعاون» به عنوان یک مفهوم و پدیده اجتماعی، همیاری و همکاری متقابل انسان‌ها در یک کار مشترک یا یک هدف مشخص است. تعاون و همکاری متقابل انسان‌ها از بدو حیات بشر در همه دوره‌های زندگی در تمام جوامع وجود داشته است. فرهنگ تعاون و یابوری در میان زنان گیلان، ریشه‌دارترین فرهنگ اصیل بومی می‌باشد، یابوری نه تنها در تولید و کار، بلکه جنبه‌های مختلف زندگی روستاییان را در برمی‌گیرد و روی تمام مناسبات اثر می‌گذارد و همگرایی و مشارکت زنان در عرصه اجتماعی را فراهم می‌سازد و نقش زنان را پررنگ‌تر جلوه می‌دهد. هدف از ارائه این مروری تمام مبنای زندگی در آمیختگی پیدا کرده و اثر گذاشته است. این مطالعه یک پژوهش توصیفی و تحلیلی است که در آن تلاش شده است تا با رویکرد مردم‌شناختی ضمن توجه به تجربه زیسته مردم گیلان ابعادی از فرهنگ همیاری و تعاون سنتی در میان زنان گیلان مورد بررسی قرار گیرد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که اشکال یابوری در میان زنان گیلان بسیار متنوع و گوناگون است و نه تنها در شالی‌کاری که عمده‌ترین محصول کشاورزی است، بلکه در باغداری (کشت چای و توتون و حبوبات) دامداری و صنایع دستی، نوغان‌داری، باغداری، آیین‌ها و نمایش‌های گروهی جریان داشته است.

واژه‌های کلیدی: یابوری، مشارکت، تعاون سنتی، زنان، گیلان

مقدمه

تک‌روی و عدم روحیه جمع‌گرایی و مشارکتی از جمله شاخص‌ترین ویژگی‌های خلقی است که به جامعه ایرانی نسبت داده می‌شود. از نظر بسیاری، این ویژگی به‌مثابه مسئله‌ای ذاتی که ریشه در تاریخ و جغرافیای ایران دارد یکی از مهم‌ترین عوامل رکود و عقب‌ماندگی جامعه ایرانی معرفی می‌شود. شمار قابل‌توجهی از پژوهشگران ایرانی همچون کاتوزیان (۱۳۷۲-۱۳۹۲)، پیران (۱۳۸۴)، قاضی‌مرادی (۱۳۸۹)، سریع‌القلم (۱۳۸۰، ۱۳۸۶)، نراقی (۱۳۸۰)، رضاقلی (۱۳۷۷ و ۱۳۷۳) و بسیاری دیگر به تکرار این گزاره‌های کلان در باب ایران و ایرانیان در طول تاریخ پرداخته‌اند. در این نگاه، قرن‌ها حاکمیت استبداد در تاریخ ایران منجر به نهادینه شدن فرهنگ استبدادی و خودمداری و تک‌روی در میان ایرانیان گردیده و این ویژگی عمومی جامعه ایرانی همواره در گذر زمان بازتولید شده و در نتیجه، مسیر رسیدن به توسعه و جامعه‌ای مطلوب و همگرا و مشارکت محور ناهموار به نظر می‌رسد.

به نظر می‌رسد این انگاره تاریخی و فرهنگی در باب ویژگی‌های فرهنگی ایرانیان چندان قابلیت انطباق با جامعه ایرانی ندارد چرا که تجربه تاریخی و اجتماعی مردمان ایران و به ویژه فرهنگ‌های محلی و بومی از وجود فرهنگ تعاون و همیاری سنتی در میان مردم و زیست اجتماعی آنان حکایت می‌کند. یکی از مصادیق فرهنگ مشارکتی و یاریگری که گزاره‌های عامی همچون خودمداری و تک‌روی ایرانی را مورد تردید قرار می‌دهد، وجود فرهنگ تعاون و یآوری سنتی در میان زنان گیلانی است.

فرهنگ تعاون و یآوری در میان زنان گیلان، ریشه‌دارترین فرهنگ اصیل بومی می‌باشد، یآوری نه تنها در تولید و کار، بلکه جنبه‌های مختلف زندگی روستاییان را در برمی‌گیرد و روی تمام مناسبات اثر می‌گذارد. همگرایی و مشارکت زنان را در عرصه اجتماعی فراهم می‌سازد و نقش زنان را پررنگ‌تر جلوه می‌دهد (عباسی، ۱۳۸۱: ۲۰). اشکال یآوری در میان زنان روستایی گیلان بسیار متنوع و گوناگون است و نه تنها در

شالی کاری که عمده‌ترین محصول کشاورز است، بلکه در باغداری (کشت چای و توتون و حبوبات)، دامداری و صنایع دستی نیز جریان دارد.

این مطالعه یک پژوهش توصیفی و تحلیلی است که در آن تلاش می‌شود تا با رویکرد مردم‌شناختی و با اتکا بر منابع کتابخانه‌ای و نیز تجربیات میدانی نگارنده، ضمن توجه به تجربه زیسته مردم گیلان ابعادی از فرهنگ همیاری و تعاون سنتی در میان زنان گیلان مورد بررسی قرار گیرد. بر این اساس این مقاله می‌کوشد تا به این پرسش‌ها پاسخ دهد: ۱. چه شواهدی از وجود فرهنگ یاوری و تعاون سنتی در میان زنان گیلان وجود دارد؟ ۲. چه شواهدی دال بر وجود فرهنگ یاریگری و تعاون سنتی زنان گیلانی در حوزه کشاورزی، دامداری و دیگر مناسبات اقتصادی و اجتماعی وجود دارد؟ ۳. با اتکا بر تجربه زیسته زنان گیلانی، انگاره تک‌روی ایرانیان چگونه قابل تبیین است؟

بسیاری از تحلیلگران حوزه جامعه‌شناسی تاریخی به تحلیل هویت ایرانی پرداخته‌اند و از فقدان فرهنگ مشارکت در جامعه ایرانی سخن می‌گویند. بنابراین لازم است تا برای آزمون مدعای گفتمان تک‌روی ایرانیان، با نگاه به منابع حوزه مردم‌شناسی، هویت مشارکتی ایرانیان در زندگی روزمره مورد کنکاش قرار گیرد.

پیشینه پژوهش

دسته‌ای از مطالعات انجام‌یافته در خصوص جامعه ایرانی بر خودمداری و تک‌روی ایرانیان تأکید داشته‌اند. لمبتون (۱۳۴۵) ضمن مطالعه‌ای در خصوص نظام کشاورزی و زراعت در ایران به ارائه نظریه تک‌روی ایرانیان پرداخته است. به دنبال آن نظریه تک‌روی یا عدم روحیه مشارکتی ایرانیان به طرز فراگیری اشاعه پیدا کرده و مبنای تحلیل جامعه ایران قرار گرفته است.

شماری از پژوهشگران ایرانی همچون کاتوزیان (۱۳۹۲)، پیران (۱۳۸۴)، قاضی‌مرادی (۱۳۸۹)، سریع‌القلم (۱۳۸۰، ۱۳۸۶)، بسیاری دیگر به تکرار این ادعا پرداخته‌اند. فصل مشترک همه این پژوهش‌ها تأکید بر روحیه خودمداران و حاکمیت ارزش‌های معطوف به

منافع فردی در جامعه ایرانی در طول قرن‌ها حاکمیت استبدادی و در نتیجه عدم شکل‌گیری روحیه مشارکتی و ویژگی‌های مقوم پیشرفت در جامعه ایرانی است. این دست از مکتوبات ضمن پذیرش کلان روایت استبداد شرقی، استبداد را ویژگی شاخص جوامع شرقی از جمله ایران می‌دانند و معتقدند انسان ایرانی نیز استبدادزده است و قرن‌ها حاکمیت استبداد از انسان ایرانی شخصیتی استبدادی و تکرو و خودمدار ساخته و این ویژگی‌های شخصیتی نیز موجب بازتولید این نوع از ساختار سیاسی شده است.

اما برخی دیگر از پژوهش‌های مردم‌شناختی به وجود روحیه مشارکتی و جمعی در تجربه زیسته جامعه ایرانی تأکید دارند. جواد صفی‌نژاد (۱۳۵۹) (۱۳۸۷) در مطالعات خویش به «بنه»‌ها به شیوه کشت و کار زراعت سنتی می‌پردازد. وی این اصطلاح به سازمان‌هایی اطلاق می‌دهد که در جهت تشریک مساعی فرآیند تولیدات کشاورزی فعالیت می‌کنند که پیش‌تر در کمیتی کثیر در جامعه روستایی و حومه شهرها و حتی در روستاهای حومه پایتخت قابل مشاهده بوده‌اند. وی شکل‌گیری این سازمان‌های اجتماعی را ناظر به مسائل و مشکلات فرآیند تولید کشاورزی در این منطقه می‌داند که همکاری اجتماعی را الزام‌آور می‌ساخته است.

مرتضی فرهادی (۱۳۷۴) و (۱۳۸۶ الف) از جمله شاخص‌ترین مردم‌شناسانی است که به نظریه یاریگری در فرهنگ ایرانی معتقد است. او در پژوهش‌های خود با رویکردی مردم‌شناختی به توصیف نقش مشارکتی زنان روستایی و ایلی در فعالیت‌های جمعی و همیارانه پرداخته است. وی با مطالعه بر روی سازمان‌های همکاری فرآیند تولیدی روستایی با سلسله همکاری‌های مواجه می‌شود که عبارت‌اند از: همکاری در بستن سد و بند، همکاری در حفر قنوات، لایروبی رودها و جوی‌ها، سازمان همکاری بنه، سازمان همکاری سنتی واره و سازمان همکاری سنتی مال.

وی معتقد است وجود سازمان تعاونی سنتی و کهن و غالباً زنانه‌ای به نام «واره» در جامعه ایران که بر پایه یک نوع همیاری سنتی و همگرایانه در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی است از وجود نشانه‌هایی از هویت جمع‌گرایانه جامعه ایرانی در تاریخ حکایت

می‌کند. از نظر فرهادی، واره به معنای جامعه‌شناختی‌اش یک سازمان تعاونی (یاریگر) غیررسمی است که از کلیه مشخصات گروه‌های متشکل و سازمان‌یافته برخوردار است.

پژوهش‌های ودیعی (۱۳۴۸)، خسروی (۱۳۷۲)، فرهادی (۱۳۷۳)، (۱۳۸۰)، پاپلی یزدی (۱۳۷۷)، نیک خلق (۱۳۸۲) از جمله مطالعاتی است که در زمینه ویژگی‌های مناطق روستایی در ایران صورت پذیرفته است و در آن به چگونگی فرهنگ حاکم بر روستاها و مشارکت و همیاری در حوزه فعالیت‌های مربوط به روستا پرداخته شده است.

در خصوص تعاون سنتی در گیلان، پژوهش‌های پراکنده برخی از محققان حوزه مطالعات فرهنگ بومی و محلی نظیر محمود پاینده لنگرودی (۲۵۳۵)، محمد بشرا (۱۳۶۶) و علی عبدلی (۱۳۶۹) و شایسته توجه می‌تواند باشد. اما فرهنگ تعاون سنتی در میان زنان، موضوعی است که کمتر مورد بررسی پژوهشگران قرار گرفته است. لذا در این پژوهش تلاش خواهد شد تا ضمن تمرکز بر موضوع زنان، فرهنگ تعاون همیاری سنتی در حوزه کشاورزی، دامداری و صنایع دستی، نوغان‌داری، باغداری، آیین‌ها و نمایش‌های سنتی مورد مطالعه قرار گیرد؟

یافته‌ها

همان‌طور که بیان شد یکی از پرتکرارترین گزاره‌ها در باب ایرانیان، تک‌روی و عدم فرهنگ مشارکتی است. به‌طور کلی مشارکت اجتماعی، حوزه وسیعی از فعالیت‌ها مثل عضویت، همیاری و همکاری جمعی، فعالیت‌های فردی و جمعی افراد جامعه در انجمن‌ها و تشکل‌های دولتی و غیردولتی اعم از انجمن‌های علمی، مذهبی، اجتماعی، اقتصادی، شغلی، انجمن‌های محلی، منطقه‌ای و ملی، شرکت و همکاری در برگزاری مراسم و جلسات مختلف خیریه اعم از مجالس، اعیاد ملی - مذهبی و غیره را در برمی‌گیرد. یکی از وجوه فرهنگ مشارکتی و جمع‌گرایانه، تعاون و همیاری‌های سنتی در حوزه فعالیت‌های کشاورزی و دامداری و دیگر فعالیت‌های روستایی است که در سطح وسیعی در سنت و فرهنگ ایرانیان در طول قرن‌ها وجود داشته است.

۱- فرهنگ یاوری در شالی کاری

در این بخش به گوشه‌ای از ویژگی‌های جمع‌گرایانه و مشارکتی و تعاون و همیاری سنتی در میان زنان گیلانی اشاره خواهد شد.



عکس ۱- زنان گیلانی در حال نشاء در مزارع برنج منطقه لشت نشاء (عباسی، ۱۳۸۱: ۲۱۷)

- بیجارکاری یاور *bijar-kari yāvər* (یاوری در شالی کاری)

یاور و یاوردهی در میان شالی کاران گیلان در فصل کشت بر دو گونه است: اول این که هرگاه بنا به دلایلی کار کسی عقب‌افتاده باشد، اهالی روستا جمع شده و از هر خانواده یک نفر به او یاور می‌دهد تا کار عقب‌افتاده او به پایان برسد. دوم این که گروه‌هایی از شالی کاران با هم قول و قرار می‌گذارند که در دوره‌های مختلف کشت و برداشت و کار در شالی‌زار «ای جایی *ijāyi*» (یک جایی = با هم) یعنی دسته‌جمعی کار کنند و به کشت پردازند. هر دو عمل به نام «یاوریاوری» = *yāvər-yāvər* معروف است.

بیجار کاری یاور (یآوری در کار کاشت برنج) با آغاز فصل کشت شروع می‌شود و تا پایان دروی برنج و حمل آن به «تلمبار / tilombār» یا «کوندوج / kunduj» یا «کوروج / juruj» (انبار برنج) ادامه می‌یابد (بشری، ۱۳۶۶: ۱).

«اطلاع‌رسانی در این زمینه گاه از طرف یکی از اعضای خانواده مثلاً دختر یا زن خانواده صورت می‌گیرد. زن صاحب‌کار یا همان «خانه خواه»، که پیش از این خود در مزارع دیگران یآوری داده به دیگر زنان یاور محله یا روستا اطلاع‌رسانی می‌کند. در مناطق روستایی با توجه به نزدیکی روابط و آشنایی ساکنان با یکدیگر اطلاع‌رسانی به‌سادگی انجام می‌شود. اما در پاره‌ای موارد بسته به موقعیت جغرافیایی منطقه و یا حجم کار و نیاز به تعداد بیشتری از نیروی انسانی، فرد خاصی که نقش واسطه‌ای را ایفا می‌کند اقدام به معرفی زنان جهت یآوری می‌نماید. به این فرد «سرپامج» و یا «سروامج» و یا در برخی مناطق «مواشر» (مُباشِر) می‌گویند. سروامج تلاش می‌کند تا زنانی که توانایی یآوری دارند به صاحب‌کار معرفی کند. ملاک انتخاب و معرفی یاوران، صرفاً کیفیت و توانایی کار فرد است. در گذشته سنت یآوری در مزارع برنج بسیار پررنگ بوده است و اغلب ساکنان روستاها و صاحبان زمین به نوبت در شالیزارهای یکدیگر حضور می‌یافتند و به صاحب زمین یآوری می‌دادند. اما با گذشت زمان این سنت بسیار کمرنگ شده است» (فلاحتی، ۱۴۰۲: یادداشت ۱۲؛ رشیدزاده، ۱۴۰۲: یادداشت ۱۳)

- همیاری و تعاون در پاک کردن برنج

بهار فصل آغاز شالی کاری است، در بهار پرورش نوغان، کشت حبوبات و کشت برنج با هم انجام می‌شوند. در تقویم بومی از ۱۵ فروردین تا ۱۵ اردیبهشت آماده‌سازی خزانه، تخم‌پاشی و پرورش توم یا بوته برنج است. از ۱۰ اردیبهشت نشاء تا اواخر اردیبهشت و از ۱۰ اردیبهشت تا پایان اردیبهشت وجین اول و از اوایل خرداد تا پایان خرداد وجین دوم است و درو هم از ۱۵ مرداد تا پایان شهریور انجام می‌شود.

در واقع فرارسیدن فصل کشت با فراوانی کار توأم است. بنابراین با فرارسیدن زمان کشت شالی‌زار و کار در باغ، چون فرصت برای تمیز کردن برنج (برنج دُجینی - *bəranj-dojini*) نیست. قبل از فصل نشاء برنج خوراکی را تمیز می‌کنند و آماده می‌سازند تا در هنگام کشت از آن استفاده نمایند. این کار را زنان چند خانواده با مشارکت همدیگر و به‌طور دسته‌جمعی انجام می‌دهند.

تمیز کردن تخم شلتوک (تخم جو^۱ *Toxm.ə-jo*) برای بذر هم به همین صورت انجام می‌گیرد. برای این کار معمولاً یک روز جلوتر زن صاحب‌خانه همسایگان و آشنایان و وابستگان را خبر می‌کند و از آنان کمک می‌گیرد. این اطلاع‌رسانی با حضور در جمع‌های زنانه و یا مهمانی‌ها و یا از طریق وسایل ارتباطی انجام می‌پذیرد. این کار غالباً با تعداد محدودی از زنان خانواده و فامیل و همسایگان قابل انجام است. گونی‌های برنج در روز موردنظر روی ایوان خانه پهن می‌شود. یاوران همراه با «تبچه *Tabajə*» (نوعی طبق چوبی) به کمک صاحب‌خانه آمده و به او این‌طور «مبارک باد» می‌گویند:

«تره مبارک بیبی *Tərə-mubārək-bibi*» (مبارک باشد)،

«تی پسر، دختره عروسی خرج بوکونی

Ti pəcər, doxtər.e.aruc.exərj bukuni

(عروسی پسر و دخترت خرج کنی)

«عروس باری *ārus bāri*» (عروس بیاوری)

«زیارت کربلا - مکه بیشی *ziyārətə.kərbələ.məkkə.biši*

(زیارت کربلا و مکه بروی)

برنج ابتدا در تبچه (طبق چوبی) ریخته می‌شود. مهم‌ترین ابزارهای مورد استفاده در این کار معمولاً تبچه یا همان طبق چوبی و یا سینی‌های برنجی، مسی یا روی بوده است. برنج روی طبق چوبی، ظرف مسی یا روی در اصطلاح گیلکی تبچه داده می‌شود تا ضمن

^۱ - تخم جو همان دانه‌های شلتوک است که به آن جو هم می‌گویند.

جداسازی زوائد و اضافات، پاک شود. تعداد یاوران بستگی به حجم کار و نیز جمعیت محله و نیز جایگاه صاحب کار دارد.

زنان یاور پس از پایان کار، مجلس شادی و پایکوبی و رقص و آواز راه می‌اندازند. معمولاً در این نشست‌ها و بگو و بخندها، زنان پسر دار، عروس‌های آینده خود را محک زده و انتخاب می‌کنند. برنج پاک کنی یاور (برنج دُجینی یاور *bərənǰ-dojini yāvər*) در اغلب روستاهای جلگه‌ای به حیات خود ادامه می‌دهد.

- ایجاد خزانه مشترک برنج

یکی از سنت‌های تعاون در مناطق غرب گیلان از جمله هشتپر تالش، ایجاد خزانه‌های اشتراکی است. این کار با هدف کمک به دیگر کشاورزان جهت ذخیره‌سازی محصول انجام می‌شود. مدیریت بومی این خزانه بر عهده خود کشاورزان و بر پایه قول و قرارهایی است که با هم می‌گذارند. ساکنان یک محلی ۲۰ تا ۵۰ خانواری خزانه‌های خود را پهلوی هم و در زمینی خارج از برنج‌زارها، در کنار و یا در وسط محله که در ضمن از لحاظ آبیاری نیز آسان باشد، قرار می‌دهند. هر کشاورز بسته به مساحت برنج‌زارش یک یا چندین کرت مستطیلی شکل دارد. هر کرت خزانه ۳ متر در ۳ متر برای نشاء یک هکتار برنج‌زار کافی است. آماده‌سازی و پرورش بوته‌های شالی به عهده زنان است، که به‌طور دسته‌جمعی صورت می‌گیرد.

- یآوری در نشاء / نشاسن یاور *Nəsācən.yāvər*

«نشاسن یاور» آن است که زنان چند خانواده، نشاء را به‌طور گروهی و با هم انجام می‌دهند. این یآوری طبق قراری که زنان با هم گذاشته‌اند و با گفتن «مبارک باد» به صاحب زمین آغاز می‌گردد. اگرچه تعاون و یآوری با رشد مناسبات جدید متحول شده، اما این سنت‌ها به صورت پراکنده به حیات خود ادامه می‌دهد. دسته‌های مختلف زنان که تعداد آنان گاه به بیش از ۳۰ نفر می‌رسد، پیش از طلوع آفتاب تا غروب خورشید، در میان گل و

لای شالی‌زاران با روحیه شاد به کار پرمشقت نشاء مشغول می‌شوند و نظر هر بیننده‌ای را در فصل بهار به خود جلب می‌کنند.

«کار دسته‌جمعی از نظر روحی، احساس خستگی را از وجودشان می‌زداید و شادابی و نشاط را در آنان زنده می‌نماید. زنان در طول زمان کار با آواز و خواندن ترانه‌های محلی، دقیق کار را سپری می‌سازند (موسوی، ۱۴۰۲: یادداشت ۱۱). گاهی هنگام کار و یا وقت برگشت یاوران به خانه «سرخون (Səf-xon)» (سر خوان، تک‌خوان یا سر خواننده) ترانه‌ای شاد را به آواز کشیده و بقیه با کوبیدن به پشت تشت یا رقصیدن و تکرار بندی از ترانه (ویگیر *vigir* یا واگیر) با او همراه می‌شوند. زنان یاور در طول کار معمولاً در سه نوبت صبح، ظهر و عصر، جهت تجدید قوا برای دقیقی در مزرعه برنج و یا در کنار آن بر زیر سایه، استراحت می‌کنند و پذیرایی می‌شوند. در گیلان به غذای بین صبحانه و ناهار قیلَه ناهار (قَل ناهار) گفته می‌شود. غالباً غذای پذیرایی صبح یا همان قیلَه ناهار در مزرعه، همراه با برنج بوده است (فلاحی، ۱۴۰۲: یادداشت ۱۲). در قیلَه ناهار معمولاً برنج کته، اشیل (خاویار) ماهی و یا خورش استفاده می‌شود. در پذیرایی ناهار نیز با برنج و خورش از یاوران پذیرایی می‌شود. شربت و کیک و کلوچه و هندوانه و خربزه از جمله خوردنی‌های یاوران در وقت استراحت عصر است. صاحب مزرعه مسئولیت پذیرایی روزانه را بر عهده دارد» (حقگوی، ۱۴۰۲: یادداشت ۱۰).

نشناسن یاور در مناطقی انجام می‌گیرد که کشت شالی‌زار به صورت سنتی است، در مناطق معدودی از گیلان که روش کشت به صورت مکانیزه و از ماشین نشاگر استفاده می‌شود، یآوری کاربرد ندارد و سنت‌های مربوط به نشاء منسوخ شده است.

- ویجین یاور *vijn-yāvər*

پس از پایان نشاء که معمولاً یک هفته تا ده روز طول می‌کشد زنان شالی‌کار چند روزی فرصت دارند که به نظافت خانه و بچه‌ها برسند، پس از آن وجین اول آغاز می‌گردد. همان‌گونه که در هنگام نشاء به‌طور دسته‌جمعی کار را به پایان برده‌اند، هنگام وجین نیز

به طور دسته جمعی و با یاری هم کار را به اتمام می‌رسانند. در هنگام وجین که به طور دسته جمعی علف‌های هرز را درآورده و شالی‌زار را پاکیزه می‌سازند، با آواز و شادی روز را به ثبت می‌برند. در دهه‌های گذشته دسته‌های یاور از یک «ساز زن (sāz.zən)» (نوازنده سُرنا) دعوت می‌کردند تا هنگام کار برایشان ساز بنوازد، «سرخون» (خواننده) ترانه‌ای شاد را می‌خواند و بقیه «ویگیر» یا «واگیر» (تکرار) می‌کنند، امروزه این سنت دیگر اجرا نمی‌گردد.

- دُواره یاور *duvārə-yāvər*

پس از وجین اول یک یا دو روز استراحت کرده، سپس «دُواره» (دوباره یا وجین دوم) شروع می‌شود. زنان شالی‌کار در وجین دوم نیز همچون نشا و وجین اول با هم قرار می‌گذارند که به صورت گروهی کار کنند. هنگام کار در شالی‌زار اگر کار کسی عقب افتاده باشد، زنان و دختران روستا برای کمک به او یاور می‌دهند. صاحب کار از یاوران پذیرایی به عمل می‌آورد. پایان وجین دوم با ترانه‌ها، مراسم و اعتقاداتی خاص همراه است.

هنگامی که یاوران به آخرین کار یا به «آخر کله *axərə.kələ*» (کرت آخر) می‌رسند، زن صاحب کار یا یکی از یاوران که نسبت به بقیه عاقل‌تر و معتمدتر است، سه بوتۀ برنج را طوری به هم گره می‌زند که شبیه به انبار برنج «کوندوج *kunduj*» باشد، پس از آن سه مشت آب روی آن می‌ریزد و با شالی‌زار سخن می‌گوید و سرود می‌خواند، گویی که شالی‌زار موجود زنده است و گوش و جان دارد و این سخنان و درد دل‌ها را می‌فهمد و درک می‌کند. این سرود در مناطق مختلف گیلان گوناگون اما بسیار به همدیگر شبیه است.

سرود «هَی بیجار *hoy.bijār*» در سراوان بخش سنگر این طور خوانده می‌شود:

سرخوان:

«بیجاری هو... بیجاری هو... *bijārayhu... bijārayhu...*»

یاوران با یکدیگر هم صدا می‌شوند و فریاد بلندی می‌کشند:

«هو... hu ... hu»

نفر اول می‌خواند:

«هو... بیجار، آن‌تی آب، آن‌تی دانه؛ «hoy... bijār, an ti āb an ti dānə»

«من خایم بشم بخانه، هو... hu ... man xāyəm bəšəm bə xānə»

(ای شالی‌زار، این آبت، این دانه‌ات، من می‌خواهم به خانه بروم.)

یاوران با او هم صدا می‌شوند:

«هو... hoy ... hoy»

نفر اول می‌خواند:

«ویشه بزَن باقلادانه؛ لیلیکی دانه višə bəzən bāqalā dānə, liliki dānə»

«وا تره بیبینید داره ج، اره ج vā tərə. bibinən dārə jā arrə jā»

«عزبانه ره بوبو، قرضه ره بوبو azəbānə. Re, bubu, qərzərə bubu»

«مال و منال زندگی بوبو māl, ow, mənālə, zəndəgi bubu»

«هو بیجار هو بیجار hoy. Bijār. Hoy. bijār»

«من خایم بشم به خانه mən xāyəm bəšəm bə xānə»

«آن‌تی آب، آن‌تی دانه an ti ab, an ti dānə»

«خوشه بزَن به اندازه دانه باقلا، به اندازه دانه لیلیکی» / بیابند ترا با دهره ببرند، با ارّه /

برای عزب‌ها باش، برای قرض باش / مال و «منال» زندگی باش / ای شالی‌زار - ای شالی‌زار

/ من می‌خواهم به خانه بروم / این آب تو، این دانه تو.»

در لیچای لشت‌نشا می‌خوانند:

«خال بوکون، چکه بوکون xāl bukun, čkkə bukun»

«تی پوشته ورا سایه بوکون ti puštə vərə sāyə bukun»

«آتره هانی گوشه بوکون atərə hāni gušə bukun»

«نوخودهانی دانه بوکون nuxu hāni dānə bukun»

«تیلیمبارا پورا کون Tilimbārā purā kun»

«انبارانا پورا کن anbarānā purā kun»

«مرغ و پیشیکا سیراکون morqo čiškā sirā kun»

«دوشمنده چوشما کوراکون dušmēndə čušmā kurā kun»

(شاخه کن، برگ بزن / دور و اطرافت را سایه کن / به اندازه ریسمان خوشه بزن / به اندازه دانه نخود دانه بزن / انبارها را پر کن / انبارها را انباشته ساز / مرغ و جوجه‌ها را سیر کن / چشم دشمن را کور کن)

پس از پایان این مراسم یاوران وقتی از مزرعه بالا می‌آیند، دست و پای خود را در آب کنار شالی‌زار می‌شویند و چادر کمربند «کمر چاشو kəmər. čāšo»، «کمردود kəmər dəvəd» خود را می‌کشایند، در داخل مزرعه برنج تکان می‌دهند تاخیر و برکت در داخل مزرعه بماند. پس از آن صاحب کار جلو و بقیه یاوران به دنبال او به طرف خانه صاحب کار حرکت می‌کنند و با آوازاها و سرودهای محلی به طرف انبار برنج می‌روند و هلهله سر می‌دهند و به صاحب شالی‌زار «مبارک باد» می‌گویند و یک نفر از یاوران - گاهی اوقات تازه عروس - که چند بوته سبز برنج در دست دارد، به صاحب کار می‌دهد و انعام دریافت می‌دارد. صاحب‌خانه از یاوران پذیرایی خوبی به عمل می‌آورد.

پس از آن صاحب شالی‌زار شاخه‌ای از درخت توسکا یا نی سبز را می‌برد و در داخل مزرعه می‌کارد تا پایان کار مزرعه‌اش را به دیگران اعلام نماید. این رسم به صورت ضرب‌المثل درآمده است، می‌گویند: «فلانی خال بزه fəlāni. Xāl. bəze» یعنی شاخه نصب کرده و کارش را به پایان رسانده است (بشری، ۱۳۶۶: ۷).

- عروس یاور / گنشه یاور gēšə. yāvər

«هنگام نشا و وجین خانواده عروس برای کمک به کار کشت به خانواده داماد یاور می‌دهند. یک روز جلوتر خانواده عروس، بستگان و آشنایان و دوستان عروس را با خبر

می‌سازند و در روز معین به‌طور دسته‌جمعی برای خانواده داماد یاور می‌برند و در کار نشا یا وجین به آنان کمک می‌کنند» (عباسی گملی، ۱۳۸۰: یادداشت ۲).

هنگام کار از یاوران پذیرایی می‌کنند و پس از پایان کار از طرف مادر داماد یا خانواده او به عروس و دوستان او هدیه‌ای داده می‌شود. کار در شالی‌زار با آواز و سرودخوانی شروع شده و تا هنگام غروب ادامه می‌یابد. گنشه بیجار در شرق گیلان همان گنشه یاور غرب گیلان است، در روستاهای جلگه‌ای، موقع نشا کردن سبزینه برنج (توم Tum) در بهار، پدر و مادر داماد، عروس خود را به مزرعه برنج دعوت می‌کنند. عروس، یاور خبر می‌کند و با ساز و نقاره و تشت زدن، با آواز دسته‌جمعی به مزرعه داماد (یعنی پدر و مادر داماد) می‌روند. از طرف داماد به همه یاورها یک قواره پارچه می‌دهند و برای عروس نیز هدیه‌ای تهیه می‌کنند. عروس و یاورها یک روز به پدر داماد کمک می‌کنند و صبحانه، نهار و «ورچاشت» [vərčāšt] (عصرانه) می‌خورند و می‌روند. (پاینده، ۲۵۳۵: ۷۲). این مراسم با همه تحولاتی که در شیوه تولید به وجود آمده به حیات خود ادامه می‌دهد.

- یاور دسته yāvər. dəstə (گروه یاور)

در روستاهای گیلان به سنت یآوری در کار برنج، «یاور دسته» می‌گویند. گروه‌های یاور زنان در هنگام کار سرودها و آوازه‌هایی هنگام کار می‌خوانند که به «بجار کار خادن / بجار کاری خواندن» معروف است. گاه در میان زنان یاور یکی از زنان به عنوان سرآوازه خوان اشعاری را می‌خواند و دیگر زنان، اشعار را تکرار می‌کنند و به اصطلاح گیلکی «واگیر» می‌کنند.

جوکول فاکشی jukul-fakši. yāvər

یکی از مراسم قبل از درو که زنان نقش اصلی در آن دارند، «جوکول فاکشی» جوکول کشیدن است. «جوکول» دانه‌های سبز و نارس برنج است که می‌توان آن را «برنج

سبز» نامید و از دو کلمه «جو = ju = شلتوک» و «کول = kul = گل» تشکیل شده است و به آن گل شلتوک هم می‌توان گفت.

برای «جو کول فاکشی» یک روز جلوتر دوستان و آشنایان را با خبر می‌سازند. یاوران طبق معمول به صاحب زمین «مبارک باد» گفته و به داخل شالی‌زار می‌روند و از لابه‌لای بوته‌های برنج خوشه‌های مورد نظر را می‌چینند. وقتی خوشه‌ها به اندازه کافی گردآوری شدند، صاحب مزرعه به اتفاق یاوران دانه‌ها را از خوشه می‌سازد. پس از آن دانه‌ها را به کارخانه می‌برند و پوست آن را درمی‌آورند، تبدیل به «جو کول» می‌کنند (قبل از ایجاد کارخانه‌های برنج کوبی با دنگ دستی و یا به وسیله «آب دنگ ab.dang» که با آب کار می‌کرد و «پادنگ pādang» که با پا کار می‌کرد، صورت می‌گرفت).

جو کول را با کشمش و انجیر و دیگر تنقلات مخلوط کرده که به آن جو کول قندی می‌گویند و به عنوان سوغاتی برای بستگان به سایر مناطق می‌فرستند و قسمتی از جو کول را بین همسایگان و آشنایان تقسیم می‌کنند، «جو کول» از خوراکی‌های بسیار خوشمزه و خوش طعم است و خواستاران زیادی دارد. در سال‌های اخیر به دلیل اینکه آماده‌سازی آن وقت زیادی می‌برد و حوصله و سلیقه می‌خواهد، تولید آن به حداقل رسیده است، جو کول چون یک غذای تفننی است و برای بارآوری آن نیاز به نیروی انسانی زیادی است به مرور ایام از استقبال آن کاسته شده است.

– «ای جانایی بیجار ijānai bijār» شالیزار مشترک

یکی از اشکال تعاون سنتی، کشت زمین به صورت مشترک (اشتراکی) است، به این معنی که عده‌ای از روستاییان زمین مرده و غیرقابل استفاده را انتخاب می‌کنند و به‌طور گروهی آن را آباد می‌کنند. اگر این قطعه زمین انتخاب شده، در حاشیه باغ‌ها قرار داشته و کم آب باشد به آن «لات Lāt» می‌گویند؛ و اگر در حاشیه استخرها باشد، به آن چُئری čōri می‌گویند. این زمین‌ها معمولاً جزو زمین‌های عمومی روستا بوده که مالک خاصی

نداشت و گروهی که در آبادی آن نقش داشتند در سهم آن مشترک می‌شوند و زمین به گروهی که در آن کار کرده تعلق می‌گیرد.

نحوه کشت و داشت و برداشت به‌طور دسته‌جمعی انجام می‌گیرد و زنان نقش اصلی در آن دارند، آماده‌سازی و پرورش بوته برنج، نشا و وجین و درو و جمع‌آوری از جمله کارهای مخصوص زنان است، محصول تولیدشده به‌طور مساوی بین اعضای گروه تقسیم می‌شود، به «ای جانایی بیجار»، «شیراکیتی کار کون širākiti-kārā. kun» (شرکتی کار کردن) نیز می‌گویند.

- «کالبی ساجی یاور kālbi-sāji yāvər»

یکی از سنت‌های مردمی در روستاهای گیلان «کالبی ساجی یاور» است که به وسیله زنان به صورت گروهی انجام می‌گیرد. کالبی kālbi «وسیله‌ای طبق مانند یا تشت مانندی است که دور آن برآمدگی دارد و از پهن گاو و دیگر احشام ساخته می‌شود.» از این وسیله استفاده‌های مختلف می‌شود و کاربردهای زیادی در کشاورزی دارد. شلتوک‌های خشک نشده را داخل آن ریخته در «فال‌خانه Fāl. Xanə» (گرمخانه، خشک‌کن) می‌گذاشتند تا خشک شده به «برنج دودی» تبدیل شود، یا برای پرورش کرم ابریشم از آن استفاده می‌کردند، به این معنی که کرم‌های ابریشم تازه از تخم بیرون آمده را در داخل آن می‌گذاشتند و برگ توت کوبیده را داخل آن می‌ریختند تا به حد کافی رشد کنند، سپس کرم‌های رشد یافته را به داخل «تلمبار» حمل می‌کردند.

کسی که می‌خواست کالبی بسازد، پهن‌های گاو و گوساله را در گوشه‌ای می‌انباشت. وقتی که پهن به اندازه کافی جمع‌آوری می‌شد، زن خانواده یک روز قبل از ساختن کالبی زنان و دختران همسایه و محله را خبر می‌کرد و برای ساختن کالبی از آن‌ها کمک می‌گرفت. پهن‌های جمع‌آوری شده در حیاط خانه ریخته می‌شود و قبل از این که برای ساختن مورد استفاده قرار گیرد، یاوران پای برهنه آن را «لگدمال = ləgəd. məj» می‌کردند تا کاملاً نرم و خمیرگونه شود، سپس آن را به اندازه‌های مختلف گلوله می‌کردند.

بعد تعدادی از زنان روستا که در ساختن کالبی تبهر داشته و به آنان «اوستا Ostā» یا «کالبی ساج kālbi, sāj» (کالبی ساز) می گفتند، گلوله‌ها را به صورت «کالبی» درمی آوردند و به کمک یاوران در پشت بام یا داخل کندوج و تلمبار می گذاشتند، تا پس از خشک شدن مورد استفاده قرار گیرند. پس از پایان کار، صاحب خانه از یاوران پذیرایی کرده و یاوران پس از تشت بازی «Təšt-bāzi» (کوبیدن روی تشت همراه با شادی) به خانه‌های خود می رفتند. در سال‌های اخیر به علل مختلف از جمله استفاده از «کالبی‌های چوبی» و کاربرد برنج خشک کن بادی و برقی در کارخانه‌های برنج کوبی، این سنت به فراموشی سپرده شده است.

۲- یآوری در باغداری

- باغ یاور bag.yāvər

یکی از اشکال تعاون سنتی در میان روستاییان گیلان «باغ یاور» است که در تولید غلات، حبوبات و صیفی جات و چای و توتون کاربرد دارد و به صورت‌های مختلف رایج است و بخشی از تولید آن بر عهده زنان است. در اینجا به چند نمونه آن اشاره می کنیم:

- «بولوزنی یاور bulu - zəni» (یآوری در کج بیل زدن)

«بولوزنی یاور» نوعی کار گروهی در میان زنان باغ کار است. پس از این که مردان زمین را شخم زدند، زنان چند خانواده دور هم جمع شده و شخم‌ها را «بولو» می زنند. یعنی با «بولو bulu» (کج بیل) کلوخه‌های گل را به قطعات کوچک تر تقسیم کرده و زمین را هموار می نمایند.

پس از بولوزنی، «چوزنی ču-zəni» (چوب زدن) را انجام داده، زمین را آماده به بذریاشی می کنند، به این معنی که با چوب در فواصل کم زمین را سوراخ کرده و تخم گیاه مورد نظر را در توی آن می اندازند و با چوب روی آن خاک می ریزند.

یا محدوده‌های دایره‌ای را برای کاشت تخم خیار و کدو و هندوانه و خربزه آماده کرده و تخم ترب و شاهی می‌افشانند. در هر حال پیش از آن زمین شخم زده با کج بیل ریز و هموار و گیاهان نامطلوب پاک می‌شود، کاری که به صورت گروهی و با کمک دیگران انجام می‌گردد. این مراسم در مناطقی است که به صورت سنتی اراضی را کشت می‌کنند، در جاهایی که از تراکتور و ماشین‌های تخم برای تولید استفاده می‌شود و باغداری مکانیزه شده از این سنت خبری نیست.



عکس ۲- یآوری زنان در برداشت حبوبات و صیفی‌جات باغ‌های لشت نشاء (عباسی، ۱۳۸۱: ۲۳۰)

- یآوری در کاشت کردن/ «کاشت کونی یاور، *kāšt-kuni. yāvār*»

همکاری دسته‌جمعی در میان زنان باغ‌دار پس از رشد انواع بقولات، بادام، خربزه و هندوانه و... نمونه‌ای دیگر از سنت‌های یآوری است. زنان چند خانواده طبق قرار قبلی، و جین زمین را آغاز کرده و باغ را از علف‌های هرز پاک می‌کند. به این عمل «کاشت کونی یاور» می‌گویند، این سنت کم و بیش رایج است.

- یآوری در چیدن چای / «چایی چینی یاور ay-čini. yāvərč»

یکی از اشکال یآوری و کمک‌های گسترده در میان زنان چای‌کار گیلان «چای چینی یاور» (یآوری در چیدن برگ چای) است. سنتی که در میان روستاییان چای‌کار در شرق گیلان از جمله لاهیجان معمول است. یاوران طبق قراری که با هم می‌گذارند و قولی که به هم می‌دهند، در روزی معین باغ چای فرد مورد نظر را می‌چینند و به نوبت باغ‌های دیگر نیز برگ چینی می‌شود.

«اگر باغ‌داری عروس نشانده باشد (عقد کرده و هنوز به خانه نیاورده باشد). عروس عده‌ای از دوستان و بستگان خود را برای یاور دادن به خانواده داماد فرامی‌خواند. هنگام «قل نهار qal-Nāhār = غذای بین صبحانه و نهار» مادر داماد به باغ‌چای می‌آید و «قل نهار» می‌آورد و عروس که قبلاً یک زنبیل دستی برگ چای پر آماده کرده است. روی آن چند برگ غنچه چای را راست می‌نشاند و به صورت شاخه گل حلقه‌وار درست می‌کند و آن زنبیل چای را به مادر شوهر خود می‌دهد و مادر شوهر به آن نگاه می‌کند، پس آن برگ‌ها را درون زنبیل بزرگ چای می‌ریزد و به خانه می‌برد. پس از صرف نهار هدایایی به عروس و یاوران می‌دهد که به «باغ واشو bāq-vašu» (هدیه باغ) معروف است» (عباسی گملی، ۱۳۸۰: یادداشت ۴).

- یآوری در توتون‌کاری

یکی از اشکال تعاون در گیلان یآوری در توتون‌کاری از جمله در مناطق روستایی صومعه‌سرا است. مصادیق این یآوری عبارت‌اند از: «شیتل چینی یاور šiTil-čini. yāvər» که طی آن گروهی از زنان، بوته‌های توتون را با یاری هم از خزانه می‌کنند و به باغ توتون انتقال می‌دهند. «ویجین یاور» که کار دسته‌جمعی برای زدودن و پاک کردن خزانه نشا از علف‌های ریز می‌باشد؛ و یآوری در هنگام کاشت که زدودن علف‌های هرز از بستر توتون در باغ برای رشد بیشتر آن می‌باشد.

«سوزن‌زنی یاور» نوع دیگر از یاوری بین زنان توتون‌کار است. سوزن‌زنی پس از چیدن برگ توتون صورت می‌گیرد و مردان نیز در انجام آن نقش دارند. سوزن آلتی از مس است که به درازا و قطر میل کاموآبافی و به رنگ سفید بوده که ابتدای آن تیز می‌باشد و در انتهای آن سوراخی تعبیه شده که «رشته» یا ریسمانی را - همچون نخ از سوزن خیاطی - از آن عبور می‌دهند، بعد سوزن را از ناحیه دم برگ می‌گذرانند و پس از پر شدن ظرفیت سوزن، با دست برگ‌ها را به ریسمانی که به انتهای سوزن آویخته است، انتقال می‌دهند.

- یاوری در انار چینی

چیدن انار به توسط زنان در کنار مردان در روستای «انبوه» یکی از جالب‌ترین و دیدنی‌ترین مراسم و جلوه‌های همیاری و تعاون سنتی در میان کوه‌نشینان عمارلوی گیلان است. «انبوه» روستایی کوهستانی است که در میان رودبار الموت و رودبار زیتون قرار دارد و رودخانه شاهرود از کنار آن می‌گذرد. این روستا دارای باغ‌های انار و فندق و درختان گردو است. همه ساله در فاصله روزهای ۱۵ تا ۳۰ مهر مراسم «انار چینی» با نظم و ترتیبی خاص در آن برگزار می‌شود که یادآور ارزش و سنت‌های دوستی و مهربانی میان اهالی است. رسم است صبح بسیار زود که هنوز هوا روشن نشده است، اهالی «ایله‌جار» کنند و با الاغ و قاطر و اسب‌های خود در حالی که زنگوله‌هایشان به صدا درمی‌آید، از خانه‌های خود به طرف باغ‌های انار بیرون بزنند.

وقتی که هوا به روشنی گراید، زنان و مردان روستای «انبوه» با چارپایان خود در انارستان جمع می‌شوند و انارها را می‌چینند و دستانی دیگر آن‌ها را در سبدها و کیسه‌ها کرده و بار چارپایان نموده و راهی بازار ده می‌کنند، تا به خریداران شهرها که از دور و نزدیک آمده‌اند، بفروشند. باز رسم است که تعداد زیادی انار به هر درخت بماند. (جدای از رسم «دارپا» که در سراسر گیلان مرسوم است) این امر به خاطر کسانی است که باغ انار ندارند تا در صورت نیاز بیایند و انارها را بچینند و برای رفع نیاز خود بفروشند. پس از پایان

«انار چینی» یاوران درحالی که مقداری انار به عنوان «سوغات» برداشته‌اند، به خانه‌های خود بازمی‌گردند.

- «گرهه gorhe»

روستای گلدیان از مناطق غلات‌خیز گیلان است، شغل اصلی مردم آنجا کشت گندم است، سنت تعاون و یآوری در گلدیان به نام «گرهه» معروف است. در گلدیان کشت و درو جمعی و به اصطلاح خودشان «گرهه» انجام می‌شود، به این صورت که هرچند نفر با هم به اشتراک زمین‌ها را درو می‌کنند. زنان نیز در تعاون گرهه نقش عمده‌ای دارند. وقتی کار درو به پایان می‌رسد، دسته کوچکی از گندم را چیده و به نام «صلوات مشته» نزد صاحب زمین برده، هدیه و انعام دریافت می‌کنند (میر شکرایی، ۱۳۷۴: ۴۶۲).

۳- یآوری در پرورش کرم ابریشم

نوغانداری و پرورش کرم ابریشم یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های اقتصادی در گیلان به ویژه در مناطق روستایی به شمار می‌رود. در ادامه به بخشی از فعالیت‌های جمعی و همگرایانه در این حوزه اشاره می‌شود.

- «پيله چینی یاور pilə. Ćini. yāvər»

تعاون در پرورش کرم ابریشم و چیدن و تمیز کردن «پيله ابریشم» (که به آن «کچ» می‌گویند) از سنت‌های رایج در میان نوغان‌داران است. «پيله چینی یاور pilə. Ćini. yāvər» یکی از اشکال تعاون و یآوری که به «پيله واچینی pilə-vâĉini. yāvər» معروف است، به صورت گروهی با شرکت اهالی یک محله صورت می‌گیرد و زنان و دختران و مردان و حتی کودکان در آن شرکت می‌کنند. صاحب کار پيله‌ها را از تلمبار پایین می‌آورد و بقیه افراد اعم از مردان و زنان و کودکان در پيله چیدن کمک می‌کنند.

کار پرورش و نگه‌داری کرم ابریشم از نیمهٔ دوّم اردیبهشت آغاز و در اواخر بهار پایان می‌گیرد.

نوغان‌داران یک روز قبل از چیدن پيله، همسایگان و دوستان و بستگان را با خبر ساخته و دعوت به همکاری می‌کنند تا در چیدن و تمیز کردن پيله به او یاری برسانند. نوغان‌دارانی که بیش از ده جعبه پيله (حدود ۳۰۰ کیلو) پرورش می‌دهند. نیاز به یاوران بیشتری دارند. گاهی بیش از ۵۰ تا ۶۰ نفر به کمک نوغان‌داران می‌شتابند و به او یاری می‌دهند.

صاحب تلمبار نوغان را در اطراف محل پرورش نوغان یا داخل حیاط خانه‌اش زیر سایهٔ درختان حصیر یا زیرانداز پهن می‌کند. پیرمردان و جوانان و کودکان یک‌طرف و زنان و دختران در طرف دیگر می‌نشینند. یاوران پس از «مبارک باد» گفتن به صاحب تلمبار شروع به چیدن و تمیز کردن پيله می‌نمایند. در طول انجام کار صاحب تلمبار از یاوران با چایی و انواع خوردنی پذیرایی می‌کند.



عکس ۳- پيله چینی یاور، لشت نشاء گیلان (عباسی، ۱۳۸۱:۲۲۸)

پله‌هایی چیده شده را در داخل زنبیل «Zibil» قرار می‌دهند و در جایی که سایبان داشته باشد، می‌گذارند. تا پس از پایان کار به فروش برسانند. گاهی اوقات خریداران دوره گرد به محلات مختلف سر می‌زنند و همان‌جا پله‌ها را از نوغان‌داران می‌خرند. پله‌چینی یاور در مناطقی که پرورش کرم ابریشم به عمل می‌آید، رایج است و اجرا می‌شود.

۴- یاوری و تعاون در استخراج و پختن عصاره نیشکر

یاوری در دروی نیشکر در روستاهای لنگرود و صومعه‌سرا، از آیین‌های سنتی و مردمی منطقه است که زنان و مردان روستا در اقدامی مشترک در آن شرکت دارند. نه تنها دروی نیشکر که استخراج عصاره و پختن آن هم با تعاون انجام می‌گیرد، چرا که اگر کار به تعویق بیفتد. نیشکر خشک و کم آب می‌شود و زحمات کشاورزان بر باد می‌رود.



عکس ۴- بی‌نام، گزارش برداشت و پخت نیشکر در صومعه‌سرا، ۱۰ بهمن ۱۳۹۲، اقتباس از:

<https://diyarmirza.ir/?p=49636>

در روستاهای نیشکر کار لنگرود مانند فتیده و شلمان و قاضی محله در حالی که مردان به بریدن نیشکر مشغول بودند، گروهی از زنان نیز به پاک کردن نی‌ها از شاخ و برگ‌های اضافی مشغول شده و دو نفر از گروه مردان به کمک دستگاه ساده‌ای که با دو رأس اسب و یا گاو به گردش درمی‌آید به عصاره‌کشی و چند تن دیگر به پختن عصاره مشغول می‌شوند.

۵- تعاون در دامداری

دامداری یکی از منابع درآمد جلگه‌نشینان گیلان به‌ویژه کوهپایه‌نشینان گیلان است، دو قوم تالش و گالش گیلان بیشتر با دامداری امرار معاش می‌کنند و زنان در تولید انواع لبنیات و صنایع دستی نقش اصلی دارند.

- «واره» (vārə)

زنان روستایی دامدار در مواجهه با مشکلات زندگی تدارکاتی را با مشارکت هم‌فراهم می‌سازند و با همیاری هم در رفع نیازهای خود می‌کوشند. از جمله این مناسبات نوعی تعاونی تولید به نام «واره» می‌باشد. واره یکی از اشکال تعاون در میان دامداران گیلان است. واره در مناطق مرکزی ایران به نام «وره» و در میان کوه‌نشینان دامدار سرتاسر گیلان از تالش تا رودسر به اشکال متنوع رایج است (فرهادی، ۱۳۴۹: ۸۴).

«واره» یک اصطلاح اقتصادی است به معنی تولید تعاونی ویژه مواد لبنی این شکل تولید که بی‌شک در گذشته‌های دور ریشه دارد و معمولاً در بین آن بخش از اهالی رواج دارد که تعداد دام‌های شیرده‌شان بین چهار تا ده سر است و مقدار شیری که روزانه از این تعداد دام به دست می‌آید، از میزان مصرف خانواده صاحب دام بیشتر است، ولی آن‌قدر هم نیست که تبدیل مستقلانه آن به پنیر یا کره به صرفه و ممکن باشد، بنابراین هر دو یا چند همسایه واجد شرایط با هم رابطه (وارکی) برقرار می‌نمایند، به این ترتیب که در روزهای یک هفته همه اعضای یک گروه «همواره» مقدار معینی از شیر دام‌های خود را هر صبح به

خانه‌ی یکی از اعضا که اصطلاح «واره در دست اوست» می‌برند، و در آنجا شیر را با تعیین حضوری مقدار آن، به عضو مورد نظر تحویل می‌دهند.

عضو مزبور هم همه شیرهای گرد آمده را تبدیل به پنیر نموده و یا به منظور تهیه کره تبدیل به ماست می‌نماید و تا زمانی که واره در دست او باشد، به هر یک از «همواره‌ها» [یعنی به دیگر اعضای واره] معادل دو برابر شیر دوغ می‌دهد. هفته بعد که واره به دست عضو دیگری از گروه «همواره» می‌افتد، عضوی که هفته پیش نوبت واره را در اختیار داشت، همانند دیگر اعضا هر روز صبح همان مقدار شیر به خانه دارنده نوبت فعلی می‌برد که پیش‌تر از او دریافت می‌کرده است به این ترتیب واره به نوبت هفتگی در بین اعضای گروه می‌گردد، تا این که زمان شیردهی دام‌ها رو به پایان بگذارد و یکایک اعضا بدهی خود به هم دیگر را پرداخت نموده باشند. ناگفته نماند تعداد اعضای هر گروه «همواره» دو تا چهار نفر و نیز ممکن است چند گروه باشد (عبدلی، ۱۳۶۹: ۲۵).

از شرایط عمده عضویت در «واره» تناسب مقدار شیر داوطلب با مقدار شیر داوطلبان دیگر است. اگر مقدار شیر یک عضو دیگر کمتر باشد، شرایط همکاری فراهم نمی‌آید. زیرا کسی که مقدار شیر کمتری تولید می‌کند، نمی‌تواند بدهی خود را بدهد، و آن که شیر بیشتر تولید می‌کند، بخشی از شیر برایش می‌ماند.

- «خوکون xokun»

دامداران منطقه جوبن رستم‌آباد، برای این که بتوانند از شیر دام به‌طور بهینه استفاده کنند، طبق قراردادی که می‌گذارند، شیر دوشیده روزانه را به نوبت به یک نفر از دامداران می‌دهند و در روزهای بعد به همان اندازه از او پس می‌گیرند، به این رسم «خوکون xokun» می‌گویند.

۶- همیاری در آیین‌ها و نمایش‌های گروهی

آیین‌های گروهی سنتی که نماد تفکر جمعی در میان گیلانیان است، در هنگام برگزاری بسیاری از مراسم در فصول مختلف سال به وسیله زنان به اجرا درمی‌آید. در ذیل به چند نمونه از این نوع همیاری در جشن‌ها و عزاداری‌ها اشاره می‌کنیم.

- خوانچه‌برده *xânča-barda*

خوانچه‌بری از طرف خانواده داماد به خانه عروس از مراسم زیبا و دلنشین در میان مردم هشتپر است: هنگامی که مراسم شیرینی‌خوران در خانه عروس به ساعات آخر خود می‌رسد، چند تن از زنان باتجربه سرگرم آراستن عروس می‌شوند، در همان حال گروهی از زنان و دختران به دعوت والدین داماد جهت آوردن «خوانچه» به خانه او می‌روند. تعداد خوانچه‌هایی که در روز شیرینی‌خوران برای عروس برده می‌شود، حداقل هفت باید باشد. این مسئله شاید از این جهت است که عدد هفت در فرهنگ اسلامی عدد مقدسی به شمار می‌رود. در داخل خوانچه که مخصوص عروس است، چند قواره پارچه، چند کله‌قند، یک جفت کفش، چند عدد شمع، یک عدد آئینه و گاهی مقداری هم آلات تزئینی نقره قدیمی گذاشته می‌شود.

«زنان و دخترانی که مأمور حمل خوانچه‌ها می‌شوند، آن‌ها را روی سر خود گذاشته و با نظم و ترتیب خاصی فاصله بین خانه داماد و عروس را پیاده طی می‌کنند و خوانچه‌ها را با تبریک و تهنیت به مادر عروس تحویل می‌دهند و خوانچه مخصوص عروس را به هنگام حنابندان در مقابل او می‌گذارند و پارچه روی آن را برمی‌دارند، و آئینه داخلش را طوری قرار می‌دهند که عروس خود را در آن ببیند. در طول مراحل مختلف یک ازدواج «خوانچه بردن» در چند مورد صورت می‌گیرد، از جمله هنگام بردن عروس به خانه شوهر و مرحله تدارک جشن عروس بردن و شیرینی‌خوران.



عکس ۵- بی نام، گزارش برداشت و بخت نیشکر در صومعه سرا، ۱۰ بهمن ۱۳۹۲، اقتباس از:

<http://www.shabestan.ir/detail/News/1230797>

در دو مورد اخیر فامیل و همسایگان و دوستان خانواده داماد به رسم تعاون و یاری مالی رساندن به داماد، هر یک مقداری مواد خوراکی لازم از جمله برنج، قند، شکر، گردو و پیاز و سیب زمینی، ادویه جات و غیره را در مجمعه ای چیده و به صورت خوانچه درمی آورند و زنان خانه آن را روی سر می گذارند و به خانه داماد می برند (عبدلی، ۱۳۷۱: ۱۶۶). هنگام حمل خوانچه آهنگ مخصوص خوانچه بری به وسیله «سرنازن - sornā zan» (نوازنده سُرنا) نواخته می شود.

- یآوری در عزاداری / «آزیه ziyaā»

در هشتپر تالش وقتی اهالی محل با خبر می شدند، شخصی از همسایگان شان فوت کرده است، یک نفر به مسجد آبادی رفته و [یا] در جای بلندی [مثلاً] بالای یک درخت می ماند و با صدای بلند خبر فوت شخص مزبور را اعلام می کرد. با اعلام این خبر اغلب [مردم] دست از کار می کشند و ضمن دادن دستور تهیه غذا جهت مصرف در مجلس عزاء، راهی خانه متوفی می شوند و هر کسی انجام کاری را بر عهده می گیرد، چنان که برای صاحب عزاء یعنی اعضای خانواده متوفی جز نشستن و سوگواری کار دیگری نمی ماند.

«درحالی که مردان سرگرم امور کفن و دفن میت هستند، زنانشان هر یک به قدر قوه خود لوازم پذیرایی از کسانی را که به خانه متوفی می‌روند، تهیه نموده و با خود به آنجا می‌برند و به مدت سه شبانه‌روز تا انجام جلسه ختم... ضمن رفت و آمد مستمر به خانه متوفی تمام کارها را انجام داده و تمام مایحتاج و لوازم گرداندن مجلس عزا را به هزینه خود تهیه می‌کنند و اگر صاحب عزا کار خاصی در زمینه شغلی خود - دامداری و کشاورزی داشته باشد و در ایام عزاداری قادر به انجام آن نباشد، اهالی محل داوطلبانه و دسته‌جمعی انجام آن را به عهده می‌گیرند» (عبدلی، ۱۳۷۱: ۱۶۳).

- «خونه xuna»

آیین کمک و یاری به خانواده‌ها داغ‌دیده یکی از سنت‌های نیک در میان مردم تالش در گیلان است و آن کمک به خانواده‌ای است که یکی از افراد و یا اعضای آن از دنیا رفته باشد: «در تالش بعد از این که کسی از دنیا رفت، مردم طبق معمول جهت عرض تسلیت به منزل شخص متوفی می‌روند و علاوه بر آن در برخی نقاط مانند روستاهای تالش دولا ب هر خانواده یک مجمه غذا به منزل متوفی برده و از حضار پذیرایی به عمل می‌آورد و بدین ترتیب صاحب عزا در زحمت تهیه غذا قرار نگرفته و مسائل جانبی مزید به مصیبت نمی‌شود. هم‌چنین در اسالم، کسانی که برای تسلیت گویی به منزل خانواده عزادار می‌روند، جهت مساعدت در مخارج پذیرایی و هزینه‌های دیگر پولی با عنوان «خونه» به شخصی که مسئول جمع‌آوری است می‌پردازند تا در اختیار خانواده متوفی قرار گیرد، و اگر شخص متوفی دارای اولاد زیاد و صغیر باشد، این کمک‌ها زیادتر خواهد بود» (شکوری، ۱۳۷۸: ۲۴).

این آیین نمونه‌ای زیبا از روح دوستی و همیاری در میان مردم گیلان است. نقش زنان در همیاری و یآوری در تهیه غذا و پذیرایی و همدلی با خانواده عزادار بیانگر روح مشارکت آنان است. زنان هم‌چنین در ایام ماه محرم و روزهای عاشورا با تشکیل دسته‌هایی در مساجد به تهیه غذا برای عزاداران مشغول می‌شوند و حضور خود را نشان می‌دهند.

جدول ۱- اشکال فرهنگ یاوری و تعاون سنتی در گیلان

<p>بیجارکاری یاور ای جایی (یک جایی = با هم) یاوریاوری برنج پاک کنی یاور / برنج ڈجینی یاور ایجاد خزانہ مشترک برنج یاوری در نشاء / نشاسن یاور ویجین یاور ڈواره یاور عروس یاور / گنشه یاور یاور دسته جوکول فاکشی ای جانایی بیجار / شالیزار مشترک شیراکیتی کارکون کالبی ساجی یاور</p>	<p>یاوری و تعاون سنتی در شالی کاری</p>
<p>باغ یاور بولوزنی یاور / یاوری در کچ بیل زدن یاوری در کاشت کردن / «کاشت کونی یاور چایی چینی یاور یاوری در توتون کاری شیتل چینی یاور یاوری در انار چینی گرهه</p>	<p>همیاری در باغداری</p>
<p>واره خوکون</p>	<p>تعاون در دامداری</p>
<p>یاوری و تعاون در استخراج و پختن عصارة نیشکر همیاری در آیینها و نمایش های گروهی خوانچه برده یاوری در عزاداری (آزیه / خونہ)</p>	<p>دیگر اشکال یاوری سنتی</p>

بحث و نتیجه‌گیری

دیدگاه مسلط در حوزه خلیات ایرانیان، خودمداری و تک‌روی را ویژگی غالب در زیست ایرانی می‌داند؛ و همواره بر عدم روحیه جمع‌گرایانه و مشارکتی ایرانیان تأکید دارد و آن را یکی از مهم‌ترین عوامل توسعه‌نیافتگی جامعه ایرانی قلمداد می‌نماید. در سویه دیگر پژوهشگران همچون جواد صفی نژاد، مرتضی فرهادی و کاظم ودیعی بر وجود فرهنگ یاریگری، همکاری و تعاون در زیست اجتماعی مردمان ایران تأکید ورزیده و معتقدند گفتمان خودمداری با واقعیت‌های جامعه ایرانی همساز نیست. چرا که تجربه زیسته ایرانیان در مناطق مختلف از وجود روحیه جمعی و همیاری و تعاون در ابعاد وسیعی حکایت می‌کند.

بررسی روابط تولیدی و دیگر مناسبات اجتماعی در جوامع محلی در ایران نشان می‌دهد همیاری و تعاون سنتی از جمله شاخص‌ترین ویژگی‌های جوامع روستایی به ویژه در گیلان در طول تاریخ بوده است. در این میان نقش و حضور زنان و جلوه‌های همیاری و رفتارهای مشارکتی آنان پررنگ به نظر می‌رسد. تعاون سنتی از جمله رویکردهای اجتماعی و جمعی زنان گیلانی است که در تمام زندگی به ویژه در شالی‌کاری، نوغان‌داری، باغ‌داری و دامداری و آیین‌های سنتی از اهمیت خاصی برخوردار است.

یافته‌های این پژوهش ضمن ایجاد تردید در گفتمان خودمداری و تک‌روی ایرانیان تأییدی است بر نتایج پژوهش‌هایی که بر وجود روحیه همگرایی و جمع‌گرایی در میان ایرانیان به ویژه مناطق روستایی تأکید دارد. البته ناگفته پیداست تعاون سنتی چون هر پدیده اجتماعی با دگرگونی در ابزار تولید و ساخت اجتماعی دستخوش تحول و تغییر قرار می‌گیرد یا به اشکال جدید نمود می‌یابند. یآوری نیز چون هر پدیده‌ای اجتماعی دیگر، متأثر از تحولات سیاسی، رشد تکنولوژی و دگرگونی در ساختار تولید است، در چند دهه گذشته شکل یاوردهی تغییر کرده قسمتی از آن منسوخ شده و قسمتی دیگر در ترکیب با مسائل دیگر به حیات خود در زندگی جمعی مردم گیلان ادامه می‌دهد.

فرهنگ یآوری و تعاون سنتی زنان در گیلان، عباسی و نظری مقدم | ۳۱۳

این بررسی نشان داد که ویژگی‌های همچون همگرایی، رفتارهای جمعی و مشارکتی یکی از مشخصه‌های اصلی جامعه گیلانی بوده است. این مشخصه در بسیاری از واژه‌ها و سنت‌ها و آیین‌ها و اشکال کار در حوزه کشاورزی، دامداری، نوغان‌داری و آیین‌های سنتی در گیلان بازتاب پیدا کرده است.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارد.

ORCID

Hooshang Abbasi



<http://orcid.org/>

Javad Nazarimoghaddam



<http://orcid.org/0000-0001-8626-7766>

منابع

- باقری، نبی‌الله. (۱۳۷۴)، «مراسم عروسی در کرین»، گیله‌وا، ضمیمه شماره ۳۱: ۱۶-۱۷.
- بشری، محمد. (۱۳۶۶)، چن تا جه بجارکاره دابه دو دستور (چند آیین شالی‌کاری، گیلان نامه)، به کوشش محمدتقی پوراحمد جکتاجی، رشت: طاعتی.
- پاپلی‌یزدی، محمدحسین. (۱۳۷۷)، «مختاباد (اوج مشارکت در دامداری سنتی)»، تحقیقات جغرافیایی، سال ۳، شماره ۵۱: ۲۴-۳۲.
- پاینده لنگرودی، محمود. (۲۵۳۵)، آئین‌ها و باورداشت‌های گیل و دیلم، تهران: بنیاد فرهنگ گیلان.
- پیران، پرویز. (۱۳۸۴)، «نظریه راهبرد و سیاست سرزمینی جامعه ایران»، فصلنامه اندیشه ایرانشهر، شماره ۴: ۳۴-۲۲.
- خسروی خسرو. (۱۳۷۲)، جامعه‌شناسی ده در ایران. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- رضاقلی، علی. (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی نخبه‌کشی، تهران: نشر نی.
- رضاقلی، علی. (۱۳۷۳)، جامعه‌شناسی خودکامگی، تهران: نشر نی.
- سریع‌القلم، محمود. (۱۳۸۰)، عقلانیت و آینده توسعه‌یافتگی ایران، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.

- سریع‌القولم، محمود. (۱۳۸۶)، فرهنگ سیاسی ایران. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- صفی‌نژاد، جواد. (۱۳۸۷)، «بنه تعاونی تولید زراعی سنتی در ایران»، کیهان فرهنگی، ش ۲۶۵-۲۶۴:۲۹.
- صفی‌نژاد، جواد. (۹۵۳۱)، نظام‌های آبیاری سنتی در ایران. تهران: دانشکده علوم اجتماعی و تعاون، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- عباسی، هوشنگ. (۱۳۷۶)، «یاوری در شالی‌کاری»، گیله‌وا، شماره ۳۶:۲۶-۴۳.
- عباسی، هوشنگ. (۱۳۸۱)، یاوری (تعاون سنتی در روستاهای گیلان)، رشت: اداره کل تعاون گیلان، انتشارات شهر سبز.
- عبدلی، علی. (۱۳۶۳)، فرهنگ تاتی و تالشی، انزلی: دهخدا.
- عبدلی، علی. (۱۳۶۹)، تات‌ها و تالشان، تهران: مؤلف با همکاری نشر ققنوس.
- عبدلی، علی. (۱۳۷۱)، نظری به جامعه عشایری تالش، تهران: اطلاعات.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۶۹)، نامه کمره، تهران: امیرکبیر.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۷۴)، «مشارکت زنان روستایی و ایلی در گروه‌های یاریگر و سازمان‌های تعاون سنتی»، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال سوم، ویژه‌نامه نقش زنان در کشاورزی: ۱۰۵-۱۲۰.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۸۰)، واره: نوعی تعاونی سنتی کهن و زنانه در ایران، درآمدی به مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی تعاون و مشارکت مردمی، تهران: وزارت جهاد کشاورزی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۷۳)، فرهنگ یاریگری در ایران، درآمدی به مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی تعاون، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- قاضی‌مرادی، حسن. (۱۳۸۰)، در پیرامون خودمداری ایرانیان، تهران: نشر اختران.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون. (۱۳۹۲)، ایرانیان؛ دوره باستان تا دوره معاصر (ج ۳)، ترجمه: حسین شهیدی، تهران: نشر مرکز.
- لمبتون، آن. کی. اس. (۱۳۴۵)، مالک و زارع در ایران، ترجمه: منوچهر امیری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

فرهنگ یاوری و تعاون سنتی زنان در گیلان، عباسی و نظری مقدم | ۳۱۵

- میرشکرایی، محمد. (۱۳۷۴)، مردم‌شناسی و فرهنگ عامه، کتاب گیلان (جلد سوم)، تهران: گروه پژوهشگران ایران به کوشش محمدابراهیم اصلاح عربانی.
- نراقی، حسن. (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی خودمانی. تهران: نشر اختران.
- نیک خلق، علی اکبر. (۱۳۸۲)، جامعه‌شناسی روستایی، تهران: شرکت چاپخس سهامی خاص
- ودیعی، کاظم. (۱۳۴۸)، مقدمه روستا شناسی ایران. تهران: موسسه آموزش و تحقیقات تعاونی دانشگاه تهران.

مصاحبه شوندگان:

احمد پژوهش (متولد ۱۳۵۸)، لاهیجان	احترام موسوی (متولد ۱۳۴۲)، شفت
بیژن عباسی گملی (متولد ۱۳۵۱)، لشت نشا	غلامحسین نظری مقدم (متولد ۱۳۰۷)، شفت
صهیب تقوی (متولد ۱۳۵۸)، شفت	علی اصغر قیصری (متولد ۱۳۵۰)، رشت
نرگس حقیقی اشکیکی (متولد ۱۳۳۹)، خممام	فاطمه نگهبان وطنی (متولد ۱۳۷۰)، چوکام
غلامحسین عمومی (متولد ۱۳۴۹)، کوچصفهان	حسن اصلانی (متولد ۱۳۱۷)، قاسم‌آباد
عیسی رشید زاده (متولد ۱۳۱۹)، سنگر	کلتوم بابایی (متولد ۱۳۲۱)، لشت نشاء
امان‌الله فلاحتی (۱۳۴۷)، فومن	ولی‌الله جهانی (۱۳۲۸)، اشکورات

استناد به این مقاله: عباسی، هوشنگ و نظری مقدم، جواد. (۱۴۰۲). فرهنگ یاوری و تعاون سنتی زنان در گیلان، دو فصلنامه دانش های بومی ایران، ۱۰(۱۹)، ۲۸۱-۳۱۵.



Indigenous Knowledge Iran Semiannual Journal is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.